



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عظیم صابری

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

سفره

آية الله العظمى  
مقام علي بن ابي طالب

الله

علي

علي

# از نگاه آفتاب

علیه‌السلام  
در احادیث پیامبر ﷺ

آية الله العظمى صاحب کتابخانه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از نگاه آفتاب: سیمای حسین در احادیث پیامبر ( علیهما السلام )

نویسنده:

آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	از نگاه آفتاب: سیمای حسین در احادیث پیامبر علیهماالسلام
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۹	سخن ناشر
۱۳	فصل اول: سرور جوانان
۱۵	فصل دوم: او از من است
۱۵	اشاره
۱۶	خدا او را دوست دارد
۱۸	او را می بوسید
۱۸	او را دوست دارم
۱۹	گریه مکن!
۲۱	فصل سوم: ریحانه پیامبر صلی الله علیه وآله
۲۱	اشاره
۲۱	ظهور مهربانی
۲۳	روی سینۀ پیامبر صلی الله علیه وآله
۲۴	بوسۀ شیرین پیامبر صلی الله علیه وآله
۲۵	بر دوش پیامبر صلی الله علیه وآله
۲۷	فصل چهارم: شرط دوستی پیامبر صلی الله علیه وآله
۲۹	فصل پنجم: معیار بهشت و دوزخ
۳۱	فصل ششم: در جوار آفتاب
۳۳	فصل هفتم: کیست او را باری کند؟
۳۳	اشاره
۳۳	او را واگذارند

۳۷	فصل هشتم: صاحبان بهشت
۳۹	فصل نهم: از نسل حسین علیه السلام
۳۹	اشاره
۳۹	نهمین فرزند
۴۱	فصل دهم: میوه درخت نبوت
۴۳	فصل یازدهم: ودیعه پیغمبر صلی الله علیه وآله
۴۵	فصل دوازدهم: خواسته پیامبر صلی الله علیه وآله از خدا
۴۵	اشاره
۴۵	حسین یعنی چه؟
۴۷	فصل سیزدهم: وارث آفتاب
۴۷	اشاره
۴۸	میزان اعتدال
۴۹	ارثیه پیامبر
۵۱	فصل چهاردهم: اشک پیامبر بر حسین
۵۱	اشاره
۵۱	خاک سرخ
۵۲	صبور باش!
۵۳	اینجا کربلاست
۵۴	تریت خونین
۵۵	آثار حضرت آیت الله العظمی صافی مدظله الوارف در یک نگاه
۶۶	(Opinion of the Sun (Az Nigah Aftab
۶۸	درباره مرکز

## از نگاه آفتاب: سیمای حسین در احادیث پیامبر علیهما السلام

### مشخصات کتاب

سرشناسه: صافی گلپایگانی، لطف الله، ۱۲۹۷.

عنوان و نام پدیدآور: از نگاه آفتاب: سیمای حسین در احادیث پیامبر علیهما السلام / لطف الله صافی گلپایگانی.

مشخصات نشر: قم: مسجد مقدّس جمکران، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۵۵ ص

شابک: ۶ - ۳۱۶ - ۹۷۳ - ۹۶۴ - ۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: حسین بن علی علیه السلام، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق.

موضوع: محمد صلی الله علیه و آله، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق. - - احادیث

موضوع: واقعه کربلا، ۶۱ ق.

شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ الف ۲ ص / ۴۱BP

رده بندی دیویی: ۹۵۳/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۳۰۴۲۵

ص: ۱

اشاره





پیرامون شخصیت والای سید شهیدان، امام حسین علیه السلام، بسیار گفته اند و بسیار شنیده ایم؛ اما عمق و کیفیت و ابعاد شناخت اگر «از نگاه آفتاب» سید الاوصیاء و خاتم الانبیاء، حضرت محمد مصطفی، صلی الله علیه و آله و سلم، باشد بدون شک بسیار فراگیر و تأثیر گذارتر است.

این کتاب با قلمی روان و گیرا به ترسیم جایگاه و موقعیت ممتاز حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام نزد رسول گرامی اسلام می پردازد.

«از نگاه آفتاب» در ۱۴ فصل و با عناوینی چون: «سیرور جوانان»، «او از من است»، «ریحانه پیامبر»، «صاحبان بهشت»، «معیار بهشت و دوزخ»، «وارث آفتاب»، «اشک پیامبر بر حسین» و... تنظیم گردیده است.

«از نگاه آفتاب» گامی در جهت بازشناخت و معرفت بیشتر و نظام مند به ساحت مقدس حضرت سید الشهداء علیه السلام است. مطالعه آن را به همه تشنگان معارف اهل بیت علیهم السلام به ویژه جوانان عزیز، توصیه می کنیم.

مرکز تنظیم و نشر آثار

حضرت آیت الله العظمی صافی مدظله العالی







## فصل اول: سرور جوانان

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: فرشته ای آسمانی که مرا دیدار نکرده بود از خدا برای زیارتم اذن خواست، پس به من مژده داد که:

...وَ إِنَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ أَبُوهُمَا خَيْرٌ مِنْهُمَا(۱)

... و حسن و حسین دو آقای جوانان اهل بهشت می باشند و پدرشان از آنها بهتر است.

ص: ۷

---

۱- امالی طوسی، ج ۱، ص ۹۲.



رسول خدا صلی الله علیه و آله حسنین علیهما السّلام را بسیار دوست می داشت و نسبت به آنها فوق العاده اظهار علاقه و عطوفت می کرد. روایات و تواریخ بر این اتفاق دارند که آن حضرت نسبت به علی، فاطمه و حسنین علیهم السّلام از تمام مردم، کسان و نزدیکان خود اظهار مودت بیشتری می نمود. دوستی آنها یک دوستی ساده پدر نسبت به فرزند نبود؛ بلکه ریشه در علائق، مبانی عمیق و یگانگی روحی داشت. مورد، نشانه یک اتحاد و اتصال ناگسستنی معنوی و توافق کامل فکری بود؛ از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمود:

أَنَا سَلِمٌ لِمَنْ سَأَلْتُمْ وَ حَزْبٌ لِمَنْ حَارَبْتُمْ (۱)

من با هر کس که با شما در صلح و سازش باشد در صلح و سازش، و با هر که با شما در جنگ و نبرد باشد در جنگ و نبرد هستم.

یک اتصال واقعی روحی، و همفکری تمام عیار و یگانگی خالص، لازم است تا پیغمبر صلی الله علیه و آله آن را این گونه شرح دهد. جمله «

أَنَا سَلِمٌ لِمَنْ سَأَلْتُمْ وَ حَزْبٌ لِمَنْ حَارَبْتُمْ» صریح در این است که طرز تفکر،

ص: ۹

---

۱- سنن ابن ماجه، ج ۱، باب فضل اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله، ص ۶۵ و سنن ترمذی، ج ۱۳، ص ۲۴۸.

سلوک و روش آنها با سلوک و روش پیغمبر صلی الله علیه و آله یکی است، و هیچ گونه تفاوتی ندارد. کردار، رفتار، جنگ و صلح آنها دقیقاً همان کردار، رفتار، جنگ و صلح رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است.

زمانی که این اخبار را مطالعه می کنیم و از شدت علاقه و دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله به امام حسین علیه السلام آگاه می شویم، نباید فراموش کنیم که گوینده این کلمات و الفاظ، پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله است. او کسی است که در دوره زندگانی با گزافه گویی، سخنان دور از حقیقت و مدح بی جا مبارزه داشت؛ سخنان و کارهایش برای بشر حجت، قانون و شریعت بود و آنچه فرمود، ترجمان حقیقت است.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله غیر از فاطمه سلام الله علیها دختران دیگر، و غیر از علی علیه السلام نیز عموزاده ها و خویشاوندان بسیاری داشت، پس چرا این همه اظهار علاقه و محبت، مخصوص فاطمه سلام الله علیها و علی علیه السلام و فرزندان آنها بود؟ و چرا پیغمبر صلی الله علیه و آله از میان همه کسان و اصحاب خود، آنها را برگزید؟ زیرا این چهار تن نماینده صفات، روحیات، اخلاق و کمالات او بودند.

### خدا او را دوست دارد

از جمله احادیثی که از دوستی و علاقه پیغمبر صلی الله علیه و آله حکایت می نماید، حدیث یعلی بن مره (۱) است. اصحاب در خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم به مجلس میهمانی رهسپار شدند؛ ناگاه به حسین علیه السلام

ص: ۱۰

---

۱- سنن ابن ماجه، ج ۱ ص ۶۵؛ مصابیح السنه، ج ۲، ص ۲۸۱؛ ترمذی، ج ۱۳، ص ۱۹۵ و ۱۹۶؛ اسدالغابه، ج ۵، ص ۱۳۰ و ۵۷۴ و ج ۲، ص ۱۹؛ کنز العمال، ج ۶، ص ۲۳۳ و ج ۳، ص ۳۹۵؛ و مطالب السؤل، ص ۷۱.



برخورد نمودند که در کوچه، بازی می کرد. پیغمبر صلی الله علیه وآله جلوی همراهان رفت و دست های خود را گشود، کودک از این سوی به آن سوی می گریخت و پیغمبر صلی الله علیه وآله او را می خندانید تا وی را گرفت؛ پس یک دست بر زیر چانه حسین علیه السلام و دست دیگر را پشت سر او گذارد و او را بوسید و فرمود:

حُسَيْنٌ مِنِّي وَ اَنَا مِنْهُ احَبُّ اِلَهٍ مَنْ احَبَّ حُسَيْنًا الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سِبْطَانِ مِنَ الْاَسْبَاطِ (۱)

حسین از من است و من از حسینم. خدا دوست دارد کسی را که حسین را دوست داشته باشد. حسین، سبطی از اسباط است.

و نیز همین حدیث شریف را بخاری، ترمذی، ابن ماجه و حاکم به این لفظ روایت می نمایند.

بعد از آنکه شرباصی از قاموس نقل می کند که:

حُسَيْنٌ سِبْطٌ مِنَ الْاَسْبَاطِ وَ اُمَةٌ مِنَ الْاُمَمِ

می نویسد: «معنای «سبط»، جماعت و قبیله است و شاید معنای حدیث این باشد که حسین در رفعت و بلندی مقام، مرتبه یک امت را دارد؛ یا اینکه اجر و ثواب کاری که از او صادر شده به اندازه اجر یک امت است.» (۲)

ص: ۱۱

---

۱- الجامع الصغیر، ج ۱، ص ۱۴۸؛ کنز العمال، ج ۶، ص ۲۲۳، ح ۳۹۵۳؛ امالی الشریف المرتضی، ج ۱، ص ۲۱۹.

۲- حفیده الرسول، ص ۴۰.

## او را می بوسید

پیغمبر صلی الله علیه وآله به فاطمه علیها السلام می فرمود:

أَدْعَى لِي ابْنِي فَيَشُمُّهُمَا وَيَضُمُّهُمَا إِلَيْهِ (۱)

پسرهایم را برایم بخوان (صدایشان کن تا پیش من بیایند) پس آنها را می بویید و به خود می چسبانید.

## او را دوست دارم

در آثار دوستی حسین همین بس که خاتم پیامبران فرمود:

اللَّهُمَّ اِنِّي اِحْبُّ حُسَيْنًا فَاحْبِبْهُ، وَاَحَبُّ مَنْ يُحِبُّهُ (۲)

خدایا! من حسین را دوست می دارم، پس دوست بدار او را و هر کس که او را دوست می دارد.

ابن ابی شیبه نیز از آن حضرت روایت کرده که فرمود:

اللَّهُمَّ اِنِّي اِحْبُّهُمَا فَاحْبِبْهُمَا وَابْغِضْ مَنْ يُبْغِضُهُمَا (۳)

خدایا! من حسن و حسین را دوست می دارم، پس دوست بدار آنها را، و دشمن بدار هر کس که آنها را دشمن می دارد.

صبنان از ابوهریره روایت می کند که، گفت:

رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَمْتَصُّ لِعَابِ الْحُسَيْنِ كَمَا يَمْتَصُّ الرَّجُلُ التَّمْرَةَ (۴)

ص: ۱۲

---

۱- ذخائر العقبی، ص ۱۴۳؛ نور الابصار، ص ۱۱۴.

۲- کنوز الحقایق، ج ۱، ص ۴۴.

۳- همان.

۴- اسعاف الراغبین، ص ۱۸۲.

دیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله آب دهان حسین را می مکید همان گونه که مرد، خرما را می مکد.

### گریه مکن!

در حدیث است که پیغمبر صلی الله علیه و آله از خانه عایشه بیرون آمد. پس از کنار خانه فاطمه علیها السلام عبور کرد، صدای گریه حسین علیه السلام را شنید و فرمود:

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ بُكَاءَهُ يُؤْذِنِي (۱)

آیا نمی دانی گریه او مرا آزار می دهد.

ص: ۱۳

---

۱- ذخائر العقبی، ص ۱۴۳؛ نور الابصار، ص ۱۱۴.



### اشاره

یکی از مظاهر محبت و عاطفه پدر و مادر، نسبت به فرزند، بوسیدن او است. در جاهلیت، و پیش از ظهور آفتاب درخشان هدایت اسلام، ارزش عاطفه و احساسات پاک انسانی مخصوصاً در عرب ها از میان رفته بود. رَحْم، مهر، رأفت، رحمت و رَقَّت قلب را یک نوع ضعف نفس شمرده و سنگدلی را افتخار می دانستند. وحشتناک ترین مظهر قساوت قلب و سقوط عواطف، همان زنده به گور کردن دختران بود. پدرها با دست خود دختران خود را زنده در گور می کردند.

بوسیدن فرزند، و اظهار عاطفه نسبت به او عار و ننگ شمرده می شد، به ویژه اگر فرزند، دختر بود. اگر کسی فرزند خود را می بوسید دیگران از کار او متعجب می شدند.

گردن کشان و متکبران، بوسیدن طفل و به دوش سوار کردن او را به دور از ابهت و حشمت می دانستند. اینان با ریاکاری و تشریفات، خود را در نظر مردم بزرگ نشان می دادند.

### ظهور مهربانی

رحمة للعالمین محمد صلی الله علیه و آله از ریا و نفاق، مبرّا بود و مانند یک فرد عادی زندگی می کرد. بسط رحمت، مهر، احسان، محبت نسبت

به همه مردم، بشردوستی، ایثار و هدایت عقل و احساسات، جزء برنامه های مهم دعوت او بودند.

همان گونه که نسبت به مردم، مظهر تمام و کمال عواطف عالی انسانی بود، عاطفه پدرانه اش نسبت به فاطمه زهرا سلام الله علیها و فرزندان او نیز در حد کمال بود. وجود حسن و حسین علیهما السلام را امتداد وجود خود، و بقا و زندگی آنها را بقای زندگی خود می دید.

دکتر بنت الشاطی، بانوی دانشمند مصری و استاد دانشگاه عین الشمس در مورد شدت حُب و عاطفه پیغمبر صلی الله علیه و آله نسبت به فرزندان دختر عزیزش زهرا سلام الله علیها فصل بلیغی نگاشته و در ضمن آن می نویسد:

«پیغمبر صلی الله علیه و آله از روزی که به مصیبت مرگ خدیجه، یگانه همسر عالیقدرش مبتلا شد تا سال سوم هجرت غیر از ابراهیم - که او هم عمر کوتاهی داشت - صاحب فرزندی نشد، و در مدت هفده سال بعد از خدیجه با اینکه با زنان متعدد، ازدواج نمود، اما هیچ یک را از پیغمبر خدا فرزندی روزی نگشت.

بر همه آشکار بود که نسل پیغمبر صلی الله علیه و آله باید از فاطمه زهرا علیها السلام باقی بماند پس تعجبی ندارد اگر دل پیامبر صلی الله علیه و آله از حُب و مهر فرزندان فاطمه سلام الله علیها پر باشد و با تمام وجود به آنها عشق بورزد. دل نبی صلی الله علیه و آله برای دو فرزند عزیز فاطمه گشوده شد، و آنها را به تمام عاطفه پدرانه ای که دل بزرگ و وسیع او داشت فرا گرفت، و به آنان انس یافت. نام حسن و حسین علیهما السلام برای او

آهنگ خوش و صدای دلنوازی بود که پیغمبر صلی الله علیه و آله از تکرار آن خسته نمی شد؛ آنها را پسران خود می خواند، و با اینکه پیغمبر صلی الله علیه و آله خارج از خانه فاطمه سلام الله علیها می زیست اما دلش در خانه زهرا سیر می کرد.

خداوند، زهرا سلام الله علیها را به نعمتی بسیار بزرگ برگزید. با عنایت پروردگار، ذریه پیغمبر صلی الله علیه و آله منحصر در فرزندان زهرا سلام الله علیها شد. خدا علی علیه السلام را به این کرامت مخصوص گردانید که نسل خاتم الانبیاء را در صلب او گذارد و از این شرف، عظمت جاودانی و پایداری و عزت همیشگی را به علی علیه السلام اختصاص داد.

زهرا سلام الله علیها از میان تمام دختران پیغمبر صلی الله علیه و آله باقی ماند تا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرزندی داشته باشد که او را پدر بخواند، و فرزندان زهرا سلام الله علیها باقی ماندند تا پیغمبر صلی الله علیه و آله از تکرار نام شیرین و لفظ گوارای «پسرهایم» لذت ببرد». (۱)

### روی سینه پیامبر صلی الله علیه و آله

ابو هریره می گفت: این چشمهایم دید و گوشهایم شنید که پیغمبر صلی الله علیه و آله هر دو دست حسین را گرفته بود و پاهای حسین بر روی پاهای پیامبر صلی الله علیه و آله بود. رسول خدا می فرمود:

تَرَقَّ عَيْنَ بَقَّةٍ (۲)

ص: ۱۷

---

۱- بنات النبی، ص ۲۴۴ تا ۲۵۳، ترجمه به اختصار و نقل به معنا.

۲- استیعاب، ج ۱، ص ۱۸۲ و ۳۸۳. [یعنی: برو بالا؛ کوچولوی من] و «حُرْقَه» (به فتح حاء و ضم زاء، یا به ضم هر دو) چنانچه در قاموس گفته به کسی گویند که به واسطه ضعف یا خردی و کوچکی، قدم هایش کوتاه و به هم نزدیک باشد. و «تَرَقَّ» به معنای «اصعد» است یعنی بالا برو! و «عَيْنَ بَقَّةٍ» چنانچه علائلی گوید، کنایه از کوچکی جسم و خردی جثه است. این جمله را عرب هنگام اظهار ملاطفت و مزاح با طفل و به نشاط آوردن او می گوید.

حسین بالا رفت تا پاهایش را بر سینه پیغمبر گذارد. پس پیغمبر فرمود: «دهان باز کن!» پس بوسیدش و سپس گفت: «خدایا! او را دوست بدار؛ زیرا من او را دوست می دارم.»

اَللّٰهُمَّ اِحِبُّهُ فَاِنِّيْ اِحِبُّهُ

علائلی می نویسد: «عین بَقَّه» کلمه ای است که در روح طفل، طراوت، سبکی و ملاحظت می آورد.

### بوسه شیرین پیامبر صلی الله علیه وآله

پیغمبر صلی الله علیه وآله حسین علیه السلام را با آن بوسه شیرین و لذیذ می بوسید؛ چون جانش گنجینه معانی و حقایق بزرگ بود.

و آن گاه که می فرمود:

اَللّٰهُمَّ اِحِبُّهُ فَاِنِّيْ اِحِبُّهُ

خدایا! او را دوست بدار، زیرا من او را دوست می دارم.

گویی در حالی که به حسینعلیه السلام اشاره می کرد به مردم می فرمود:

اَنَا هُنَا

من اینجا هستم

یعنی؛ مرا پیش حسین علیه السلام بجوئید.

علائلی ادامه می دهد: «فرق حب و عاطفه، این است که عاطفه کمتر از حب بوده و شرایط محبت در آن ملاحظه نمی شود،

اما حب زمانی هویدا

ص: ۱۸



می گردد که محبوب برگزیده باشد، و پیغمبر صلی الله علیه و آله حسین را به حقیقت دوستی و حُب، دوست می داشت؛ زیرا حسین برگزیده او بود، و خدا حسین را دوست می داشت؛ زیرا که او شفق آفتاب نبوت بود.»<sup>(۱)</sup>

### بر دوش پیامبر صلی الله علیه و آله

جمعی از اهل سُنَّت مانند ابن حجر عسقلانی از ابهریره، عبدالله و بغوی از شداد بن الهاد، و ابی نعیم در حلیه از ابن مسعود، و ابی حاتم از عبدالله، و جابر و ابن ابی الفراء از انس؛ نوازش و اظهار محبت پیغمبر صلی الله علیه و آله به حسن و حسین علیه السلام را روایت کرده اند.<sup>(۲)</sup>

از این احادیث استفاده می شود که آن حضرت همیشه حسنین علیهما السلام را به دوش می گرفت؛ آنان در حال نماز و در حالات دیگر بر کتف آن حضرت می نشستند و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله کمال لطف و مهربانی را نسبت به آنها ابراز می داشت. از بعضی از این احادیث، مانند «حدیث انس»، شدت محبت پیغمبر صلی الله علیه و آله به آنها و توبیخ سخت نسبت به کسی که قدر و منزلت آنها را نشناسد، استفاده می شود.

ابوسعید در شرف النبوه روایت نموده که پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بود که حسن و حسین علیهما السلام به سوی او آمدند. چون رسول خدا صلی الله علیه و آله آنها را دید به خاطر ایشان برخاست و آمدنشان را دیر شمرد (یعنی فرمود دیر آمدید یا چرا دیر آمدید؟) پس از آنها استقبال کرد و آنها را بر دوش خود گذارد و فرمود:

ص: ۱۹

---

۱- سمو المعنی فی سموالذات، ص ۷۶ و ۷۷.

۲- الاصابه، ج ۱، ص ۳۳۰ - ح ۱۷۱۹؛ الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۱۱۸؛ ذخائر العقبی، ص ۱۲۳ و ۱۳۲.

نَعْمَ الْمَطِيَّاتُ مَطِيَّتُكُمَا، وَ نَعْمَ الرَّكِبَانِ انْتُمَا(۱)

خوب مرکبی است مرکب شما، و خوب سوارهایی هستید شما!

ص: ۲۰

---

۱- ذخائر العقبی، ص ۱۳۰.

## فصل چهارم: شرط دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله

احادیث در وجوب دوستی و مودت حسین علیه السلام متواتر است. از جمله این احادیث، حدیث نبوی زیر است:

مَنْ أَحَبَّنِي فَلْيَحِبَّ هَذَا [\(۱\)](#)

هر کس مرا دوست دارد باید این دو را (نیز) دوست بدارد.

دولابی و احمد بن حنبل از یعلی بن مره روایت کرده اند که حسن و حسین علیهما السلام به سوی پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم آمدند در حالی که در تشریف به محضر جد بزرگوار خود از یکدیگر پیشی می جستند؛ یکی از ایشان، پیش از دیگری رسید؛ پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم دست به گردن او انداخت و او را به سینه خویش چسبانید و بوسید و سپس آن یکی را بوسید. آن گاه فرمود:

أَنَا أَحِبُّهُمَا فَأَحِبُّوهُمَا [\(۲\)](#)

من ایشان را دوست می دارم، پس شما نیز ایشان را دوست بدارید.

ص: ۲۱

---

۱- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۷۵.

۲- ذخائر العقبی، ص ۱۲۳.



## فصل پنجم: معیار بهشت و دوزخ

در روایت نبوی، معیار بهشت و دوزخ در گرو دوستی و دشمنی با دو دردانه رسول اکرم صلی الله علیه و آله ذکر شده است.

الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ مَنْ أَحَبَّهُمَا فِي الْجَنَّةِ، وَ مَنْ أَبْغَضَهُمَا فِي النَّارِ (۱)

هر کس حسن و حسین را دوست بدارد در بهشت است، و هر کس آنها را دشمن بدارد در آتش است.

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ - أَخَذَ بِيَدِ حَسَنٍ وَ حُسَيْنٍ فَقَالَ: مَنْ أَحَبَّنِي وَ أَحَبَّ هَدَيْنِ وَ أَبَاهُمَا وَ أُمَّهُمَا كَانَ

مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دست حسن و حسین را گرفت، پس فرمود: هر کس مرا دوست بدارد و دوستدار این دو و پدر و مادرشان باشد، در روز قیامت با من در درجه من خواهد بود.

ص: ۲۳

---

۱- سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۶؛ الاصابه، ج ۱، ص ۳۳۰؛ کنوز الحقائق، ج ۲، ص ۹۴؛ الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۱۶۰؛ صواعق، ص ۹۰؛ تاریخ الخلفاء، ص ۱۹۴؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۲۸۸؛ ذخائر العقبی، ص ۱۲۳ و ۱۲۴؛ نظم درالسمطین، ص ۲۱۰؛ مطالب السؤل، ص ۷۱.

۲- سنن ترمذی، ج ۱۳، ص ۱۷۶؛ صواعق، ص ۱۸۷؛ السیره النبویه، ج ۳، ص ۳۶۸؛ کنز العمال، ج ۶، ص ۲۱۶، ح ۳۷۸۲.

طبرانی از سلمان روایت دارد که پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

مَنْ أَحَبَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ أَحَبَّنِي، وَمَنْ أَحَبَّنِي أَحَبَّهُ اللَّهُ وَادْخَلَهُ جَنَّاتِ النَّعِيمِ، وَمَنْ أَبْغَضَهُمَا أَوْ بَغَى عَلَيْهِمَا أَبْغَضْتَهُ وَمَنْ أَبْغَضْتَهُ  
أَبْغَضَهُ اللَّهُ، وَادْخَلَهُ جَهَنَّمَ وَلَهُ عَذَابٌ مُّقِيمٌ (۱)

هر کس حسن و حسین را دوست بدارد من او را دوست می دارم، و هر کس را من دوست دارم خدا او را دوست دارد، و هر کس که خدا او را دوست دارد او را داخل بهشت گرداند؛ و هر کس آنها را دشمن بدارد یا بر آنها ستم کند من او را دشمن دارم، و هر کس را من دشمن دارم خدا دشمن دارد و او را داخل جهنم سازد و برای او عذاب جاودان است.

ص: ۲۴

---

۱- کنز العمال، ج ۶، ص ۲۲۲، ح ۳۹۱۶.

از علی علیه السلام روایت می کنند که، پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم به فاطمه علیها السلام فرمود:

يا فَاطِمَةُ اَنْتِ وَ اَيَّاكِ وَ هَذَا الرَّاقِدَ (يعنى عَلِيًّا) وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَفِي مَكَانٍ وَاحِدٍ (۱)

ای فاطمه! من و تو و این کسی که خوابیده (یعنی علی) و حسن و حسین، روز قیامت در یک مکان می باشیم.

طبرانی از ابو موسی روایت دارد که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

اَنَا وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي قُبَّةٍ تَحْتَ الْعَرْشِ (۲)

من، علی، فاطمه، حسن و حسین روز قیامت در یک قبه در زیر عرش هستیم.

عمر بن الخطاب روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

ص: ۲۵

---

۱- کتاز العمال، ج ۶، ص ۲۱۶، ح ۳۷۹۳.

۲- کتاز العمال، ج ۶، ص ۲۱۷، ح ۳۷۹۸؛ فرائد السمطين، ج ۱، ص ۳۶.

أَنَا وَعَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَالحَسَنُ وَالحُسَيْنُ فِي حَظِيرَةِ القُدْسِ فِي قُبَّةِ بَيْضَاءَ وَ سَقْفِهَا عَرْشُ الرَّحْمَنِ (١)

من، علی، فاطمه، حسن و حسین در حظیره القدس در قبه سفیدی که سقف آن عرش الرحمان است می باشیم.

ص: ٢٦

---

١- فرائد السمطين، ج ١، ص ٣٦.



### اشاره

و جوب یاری حسین علیه السلام از احادیث بسیاری درک می شود. اگر سران مسلمانان، که حکومت یزید را شرعی نمی دانستند؛ مانند ابن زبیر و ابن عمر و دیگران، حسین علیه السلام را یاری کرده بودند تاریخ اسلام غیر از این بود که اکنون هست و اعتراض بزرگی که بر آن مردم وارد است، همین می باشد.

پیامبر صلی الله علیه و آله:

إِنَّ ابْنِي هَذَا يُقْتَلُ بِأَرْضِ مِنَ الْعِرَاقِ يُقَالُ لَهَا كَرْبَلَاءَ فَمَنْ شَهِدَ ذَلِكَ مِنْهُمْ فَلْيَنْصُرْهُ (۱)

به درستی که این پسر در زمینی از عراق که به آن کربلا گفته می شود کشته می گردد، پس هرکس او را درک کند باید یاری اش رساند.

### او را واگذارند

خوارزمی در ضمن خبری طولانی نقل کرده که حسین علیه السلام به ابن عباس فرمود: «آیا می دانی که من پسر دختر رسول خدا هستم؟»

ص: ۲۷

عرض کرد: «آری! غیر از تو کسی را نمی شناسم که پسر پیغمبر باشد، و یاری و نصرت تو بر این امت واجب است آن چنان که روزه و زکات واجب است که یکی از این دو بدون دیگری پذیرفته نشود.»

حسین علیه السلام فرمود: «پس رأی تو چیست در حق مردمی که پسر دختر پیغمبر را از وطن و خانه و جایگاه و زادگاهش، و حرم رسول و جوار قبر پیغمبر و مسجد و محل هجرت آن حضرت، خارج نمودند؛ او را بیمناک و سرگردان گذاردند که قرارگاه، منزل و مأوایی نداشته باشد و قصدشان از این سختگیری ها کشتن او و ریختن خونش باشد در حالی که او شرکی به خدا نورزیده و غیر خدا را ولی امر خود قرار نداده و از روش پیغمبر و جانشینان او تخلف ننموده است؟»

ابن عباس گفت: «نمی گویم در حق آنها مگر آنکه آن کسان، به خدا و پیغمبر، کافر شدند و اگر نماز بخوانند از روی کسالت و ریاکاری است. و بر مثال این مردم عذاب بزرگ تر خدا نازل گردد؛ و اما تو، ابا عبدالله! پس تو سر سلسله افتخار و مباحاتی، تو پسر پیغمبر هستی، تو پسر وصی پیغمبر و فرزند زهرا می باشی، زهرایی که همانند مریم بود؛ پس ای پسر رسول خدا! گمان مبر که خدا از آنچه ستمکاران می کنند غافل است، و من گواهی می دهم که هر کس از مجاورت تو و مجاورت فرزندان تو کناره گیری کند در آخرت، نصیب و بهره ای نخواهد داشت.»

حسین علیه السلام گفت: «خدایا گواه باش!»

ابن عباس گفت: «فدای تو شوم! گویا به من خبر از مرگ خودت می دهی و از من می خواهی تو را یاری کنم! سوگند به خدایی که غیر

از او خدایی نیست! اگر در پیش روی تو شمشیر بزنم تا شمشیرم بشکند و دست هایم قطع شود، اندکی از حق تو را ادا نکرده باشم. هم اکنون من حاضر به خدمت تو هستم هرگونه که صلاح می دانی، فرمان بده!»

این خبر طولانی است و در این مجال نمی گنجد اما در آغاز این خبر عبدالله بن عمر گفت، شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

حُسَيْنٌ مَقْتُولٌ فَلَيْنٌ خَدَلُوهُ وَ لَمْ يَنْصُرُوهُ لِيَخْذُلْنَهُمُ اللَّهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (۱)

حسین کشته می شود پس اگر او را وا بگذارند، و یاری اش نکنند خدا آنها را تا روز قیامت یاری نخواهد کرد.

ص: ۲۹

---

۱- مقتل الحسين، ف ۱۰، ص ۱۹۱ و ۱۹۲.



## فصل هشتم: صاحبان بهشت

حاکم و ابن سعد از علی علیه السلام روایت کرده اند که پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم به او فرمود:

إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ أَنَا وَ أَنْتَ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ

اول کسی که داخل بهشت می شود من، تو، فاطمه، حسن و حسین هستیم.

قَالَ عَلِيٌّ: فَمُحِبُّونَا

علی عرض کرد: پس دوستان ما (چه)؟

پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود:

قَالَ: مِنْ وَرَائِكُمْ (۱) و (۲)

به دنبال شما وارد می شوند.

ص: ۳۱

---

۱- صواعق، ص ۱۵۹؛ ذخائر العقبی، ص ۱۲۳؛ کنز العمال، ج ۶، ص ۲۱۸ ح ۳۸۲۶.

۲- صواعق، ص ۱۵۱؛ ذخائر العقبی، ص ۱۲۳؛ کنز العمال، ج ۶، ص ۲۱۶ ح ۳۷۸۷.



اشاره

حذیفه از پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده که فرمود:

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ رَجُلًا مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ كَاسِمِي فَقَالَ سَلِمَانُ: مِنْ أَي وُلْدِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: مِنْ وُلْدِي هَذَا وَضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى الْحُسَيْنِ (۱)

اگر از دنیا باقی نماند مگر یک روز، خدا آن روز را طولانی سازد تا مردی از فرزندانم را برانگیزد که هم نام من است. آن گاه سلمان عرض کرد: «از کدام فرزندان توست یا رسول الله؟» فرمود: «از این فرزندم!» و دستش را بر حسین زد.

نهمین فرزند

سلمان می گوید: بر پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم وارد شدم در حالی که حسین بر زانوی مرحمت او بود. پیغمبر به او روی می کرد و دهان او را می بوسید و می فرمود: «تو آقا، پسر آقا و پدر آقایی! تو امام، پسر امام و پدر امامانی! تو حجت، پسر حجت و پدر حجت های نه گانه ای که از

ص: ۳۳

---

۱- ذخائر العقبی، ص ۱۳۶-۱۳۷. بیش از ۱۸۰ حدیث بر این مضمون دلالت دارد؛ کتاب منتخب الأثر تألیف نگارنده، باب ۸ ف ۲.

صَلْبٌ تَوْهَسْتُمْ وَنَهْمِينَ إِيشَانِ قَائِمٌ أَنهَآ اسْت.» (۱)

حموینی در حدیثی مفصل و طولانی از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که فرمود: حسن و حسین دو امام امت من بعد از پدرشان و دو آقای جوانان اهل بهشت هستند. مادرشان سیده زنان جهانیان، و پدرشان سیدالوصیین است. از فرزندان حسین نه نفرند که نهمین آنها قائم از فرزندان من است؛ طاعت ایشان طاعت من و معصیت و مخالفت با ایشان، معصیت و مخالفت با من است. از کسانی که فضیلت ایشان را انکار و احترامشان را بعد از من ضایع می نمایند به سوی خدا شکایت می کنم. در ولایت کارها و نصرت عترت من و امامان امت من، خداوند کفایت می کند؛ او انتقام گیرنده است از کسانی که حق آنها را انکار نمایند:

وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَي مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ (۲)

ص: ۳۴

- 
- ۱- مقتل خوارزمی، ص ۱۴۶، ف ۷؛ ینابیع الموده، ص ۴۴۵، موده القربی، در الموده العاشره.
  - ۲- فرائد السمطين، ج ۱، ص ۴۲ و ۴۳؛ احادیث در این موضوع متواتر است رجوع شود به منتخب الأثر، تألیف نگارنده، باب ۱۰، ف ۲. [هم چنین آیه فوق الذکر در سوره شعرا، آیه ۲۲۷ است.]



جابر می گوید: پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم در عرفات بود و علی علیه السلام رو به روی آن حضرت قرار داشت. پیامبر صلی الله علیه وآله به من و علی علیه السلام اشاره فرمود و ما خدمت او رفتیم، پس فرمود: «یا علی! نزدیک من بیا.» علی علیه السلام نزدیک رفت؛ فرمود: «دستت را در دست من بگذار!» سپس فرمود: «یا علی! من و تو از یک درختیم، من اصل و ریشه آن، و تو فرع آن؛ و حسن و حسین؛ شاخه های آن؛ هر کس به یکی از شاخه های آن متعلق گردد خدا او را داخل بهشت نماید. یا علی! اگر امت من روزه بگیرند به قدری که مثل کمان ها خمیده شوند و نماز بخوانند به قدری که مثل میخ ها خشک و بی حرکت گردند اما تو را دشمن بدانند، خداوند آنها را به رو در آتش اندازد.»<sup>(۱)</sup>

گنجی شافعی از خطیب بغدادی در تاریخ از علی علیه السلام روایت دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «درختی است که من ریشه و اصل آن، و علی فرع آن، و حسن و حسین ثمره و میوه آن، و شیعه برگ آن هستند؛ پس آیا بیرون می شود از پاکیزه و طیب غیر از طیب و پاکیزه؟»<sup>(۲)</sup>

ص: ۳۵

---

۱- فرائد السمطين، ص ۳۹؛ مقتل خوارزمی، ص ۱۰۸، ف ۶؛ ینابيع الموده، ص ۹۱.

۲- کفایة الطالب، ص ۹۸ و ۱۷۸.

یعنی: فرع، میوه و برگ درخت پاک، پاک و طاهر می باشد. و نظیر این حدیث را نیز از ابو امامه باهلی روایت کرده است.

ص: ۳۶

## فصل یازدهم: ودیعه پیغمبر صلی الله علیه و آله

ابن اثیر و سبط ابن الجوزی و طبری نقل کرده اند که: وقتی سرهای شهدا را نزد ابن زیاد آوردند با شمشیر یا چوب به لب های مبارک حسین علیه السلام می زد؛ زید بن ارقم وقتی دید ابن زیاد، دست از این بی ادبی برنمی دارد، گفت: «چوبت را برگیر! قسم به آن کسی که غیر از او خدایی نیست! من در زمانی طولانی می دیدم پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم میان این دو لب را می بوسید.» زید گریست و ابن زیاد با او درشتی کرد و او را به کشتن تهدید نمود و گفت: «خدا چشمانت را بگریاند! اگر پیر خرفتی نبودی گردنت را می زدم.»

زید از مجلس ابن زیاد برخاست، و می گفت: «مردم!، شما از این پس بند گانید (یعنی باید غلام و بنده بنی امیه و کارگزاران آنها باشید) پسر فاطمه علیها السلام را کشتید و پسر مرجانه را زمامداری و حکومت دادید. به خدا نیکان شما را می کشتند، و بدان شما را بنده می سازند. پس دور باد از عزت، آن کسی که راضی به ذلت و عار گردد.» سپس باز گشت و به ابن زیاد گفت:

«حدیثی برای تو بگویم که خشم تو از آن بیشتر شود: دیدم پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم حسن را بر پای راستش نشانده بود، و حسین را بر پای چپ. پس دست خود را بر سر آنها گذارد و گفت:

اللَّهُمَّ اِنِّي اسْتَوْدِعُكَ اِيَّاهُمَا وَصَالِحِ الْمُؤْمِنِينَ (۱)

خدایا! من این دو و صالح المؤمنین (علی) را نزد تو ودیعه و سپرده گذاردم.

پس ودیعه رسول خدا در نزد تو چگونه است ای پسر زیاد؟»

ابن زیاد به خشم آمد و تصمیم به قتل زید گرفت.

ص: ۳۸

---

۱- بحار الانوار، ج ۱۱۸، ص ۴۵.

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم این گونه در حق علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام دعا کرد:

اللَّهُمَّ أَنْكَ جَعَلْتَ صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ اللَّهُمَّ أَنْهُمْ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُمْ فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ، وَرِضْوَانِكَ عَلَيَّ وَعَلَيْهِمْ (يعني: عَلِيًّا، وَفَاطِمَةَ، وَحَسَنًا وَحُسَيْنًا) (۱)

خدایا! تو قرار دادی صلوات، رحمت، مغفرت و خشنودی ات را بر ابراهیم و آل ابراهیم. خدایا! ایشان (یعنی علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام) از من اند، و من از ایشان هستم. پس صلوات، رحمت، آمرزش و خشنودی ات را بر من و بر آنها قرار بده.

### حسین یعنی چه؟

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در ضمن حدیثی روایت کرده که چون خدا آدم را آفرید، در سمت راست عرش، پنج شبخ در نور دید که در سجده و رکوع هستند. آدم پرسید: «این پنج شبخ که در هیبت و صورت من اند چه کسانی هستند؟» خطاب شد: «اینان پنج تن از فرزندان تو هستند که

ص: ۳۹

پنج نام برای آنها از نام های خود مشتق کرده ام و اگر برای ایشان نبود بهشت و جهنم، عرش و کرسی، آسمان و زمین، فرشتگان و آدمیان و جتیان را نمی آفریدم؛ پس من محمودم، و این محمد است؛ من عالی هستم، و این علی است؛ من فاطرم، و این فاطمه است؛ من احسانم، و این حسن است؛ من محسنم و این حسین است. به عزتم، سوگند یاد نموده ام که هر کس ذره ای از کینه ایشان را در دل داشته باشد او را داخل آتش می کنم. ایشان برگزیدگان من هستند، به ایشان نجات می دهم، و به ایشان هلاک می نمایم. هر وقت حاجتی داری به این پنج تن متوسل شو.» پس پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مایم کشتی نجات! هر کس به آن متعلق شود نجات یابد و هر کس از آن برگردد هلاک گردد.»(۱)

در روایتی دیگر سلمان فارسی از پیامبر حدیث می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «خداوند برای ما نام هایی از نام های خویش مشتق ساخت؛ پس خداوند عزّ و جلّ محمود است و من محمدم، و خداوند اعلی است، و برادرم علی است و خداوند فاطر است، و دخترم فاطمه است، و خداوند محسن است و دو پسر من حسن و حسین می باشند.»(۲)

ص: ۴۰

---

۱- فرائد السمطين، ص ۲۵ و ۲۶ ترجمه به اختصار.

۲- فرائد السمطين، ص ۳۰؛ این گونه احادیث ممکن است اشاره به مقام کمال پنج تن و خمسۀ طیبه باشد و اینکه آنها مؤدب به آداب الهی، و مربی به تربیت ربوبی هستند و به اخلاق الهی تخلق دارند و چنان که نام، انسان را به مسمی می رساند، آنها نیز که اسم های حق و مشتق از نام های او هستند ما را به خدا هدایت می کنند و همچنین دلالت بر ارتباط آنها با عوالم غیب دارد، و در روایات است که «نَحْنُ وَ اللّٰهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنٰی»، و اگر چه همه موجودات به این معنا اسم های حق هستند اما این پنج نور مقدس، مقام شامخ دیگری دارند و دلالت آنها بر مسمی، اظهر و ابین است و اما این که چرا این پنج نور هر کدام مخصوص به اسمی شده اند؛ شرحش از حوصله این کتاب خارج است.

حسن و حسین علیهما السلام وارث کمالات علمی، روحی، اخلاقی و جسمی پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بودند. مردم در سیما، رفتار و روش آنها، پیغمبر را می دیدند و عظمت و روحانیت او را تماشا می نمودند. وجود پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به حسنین علیهما السلام کانون مهر، شفقت، نوازش، لطف و رحمت پدران بود. آنها را دوست می داشت و می بوید و می بوسید؛ زبانشان را می مکید و بر دوش مبارک خویش سوارشان می کرد. خود از آنها پرستاری می فرمود؛ آنها را پسر خود می خواند، از گریه آنها ناراحت می شد؛ آنها را روی سینه خود می خوابانید و از شنیدن نامشان لذت می برد. در کوچه، در خانه، در مسجد، در حضور صحابه و مردم، در هنگام سخنرانی و خطبه و در حال نماز، حسنین علیهما السلام مشمول مراسم مخصوص پیغمبر صلی الله علیه و آله بودند.

اخباری در کتب معتبر اهل سنت است که حکایت از این عواطف پاک دارد. این مهربانی ها در عین حال که نمونه ای از تواضع و فروتنی فوق العاده و سادگی زندگی پیغمبر صلی الله علیه و آله با عظمت اسلام بود، تمرکز عواطف شدید پدران او را در حسنین و فاطمه زهرا علیهم السلام نشان می داد. این عواطف از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله صادر می شد که

در اوج کمالات و در حد اعتدال و استقامت بود. محبت و رضا هیچ گاه او را بر آن نمی داشت که از سخن راست و حقیقت، کلمه ای بیشتر بگوید و همین راستگویی، دلیل کمال لیاقت، صلاحیت و شایستگی حسنین بود؛ زیرا تعبیراتی که پیغمبر صلی الله علیه و آله در حق آنها می فرمود و اوصافی که در حق آنها می گفت تنها از عواطف و احساسات پدران بر نمی آمد و معلوم بود که ایشان در سیمای آنها یک سر الهی مشاهده می کند.

## میزان اعتدال

بر حسب احادیث شریفه ثقلین، احادیث امامان، احادیث سفینه و احادیث بسیار دیگر (۱) حسن و حسین علیهما السلام وارث علوم پیغمبر صلی الله علیه و آله بوده و هریک در عصر خود، رهبر حقیقی امت اسلام و حافظ آفتاب جهانتاب شرع بودند.

یکی از صفات برجسته امام، وصی و جانشین پیغمبر همین است که میزان تعادل و اعتدال امور باشد. امام در حقیقت، مرکزی است که واماندگان راه حقیقت و کند روها به آن سو سوق داده می شوند تا عقب نمانند و فاصله آنها با امام، که پیشرو قافله خداپرستان است، زیاد نشود و تندروهای افراطی به آن مرکز برگردانده می شوند تا شتاب خارج از حد، سبب گمراهی آنها نگردد. و این است حقیقت معنای کلام پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در ذیل بعضی از احادیث صحیحه ثقلین:

ص: ۴۲

---

۱- ر. ک به امان الأمة، اثر نگارنده که در اثبات حجیت فقه شیعه، و وجوب رجوع به احادیث امامیه در احکام نوشته ایم و آن احادیث را ذکر کرده و صحت اسناد و دلالت آنها را واضح و آشکار ساخته ایم.



فَلَا تُقَدِّمُوهُمَا فَتُهْلِكُوا وَلَا تَقْصُرُوا عَنْهُمَا فَتُهْلِكُوا وَلَا تُعَلِّمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ (۱)

بر قرآن و عترت مقدم نشوید که هلاک می گردید و از آنها عقب نیفتید که هلاک می شوید و به عترت چیزی نیاموزید؛ زیرا آنها از شما داناترند.

پس حسین علیه السلام بی تردید وارث علم و کمال پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم است و همه مردم به علم و دانش او محتاج هستند.

### ارثیه پیامبر

بر حسب روایات متعددی که در کتاب های معتبر نقل شده، فاطمه زهرا سلام الله علیها در هنگامه موت پدر، حسن و حسین علیهما السلام را نزد آن حضرت آورد و عرض کرد: «یا رسول الله! این دو پسران تو هستند آنها را به بخشش و عطایی مخصوص فرما، یا به آنها چیزی به ارث عطا کن!»

پیغمبر فرمود: «به حسن عظمت و بردباری می بخشم، و به حسین جود و مهربانی.»

و در روایتی دیگر فرمود: «به این بزرگ (یعنی حسن) مهابت و حلم بخشیدم و به آن کوچک (یعنی حسین) محبت و رضا.» در حدیثی دیگر فرمود: «اما حسن، پس هیبت و آقایی من برای اوست، و اما حسین، پس جود و جرأت من برای او می باشد.» (۲)

ص: ۴۳

۱- صواعق، ص ۱۴۸.

۲- نظم درر السمطین، ص ۲۱۲؛ الاصابه، ج ۴، ص ۳۱۶-۴۸۱؛ ذخائر العقبی، ص ۱۲۹؛ صواعق، ص ۱۸۹؛ کفایه الطالب، ص ۲۷۷.

این احادیث، گوشه ای از کمالات و خلیاتی که حسن و حسین علیهماالسلام از جد بزرگوار خود به ارث برده اند را نشان می دهند.

سرّ این تعبیرات به روش های خاص حسن و حسین، چگونگی رهبری و برنامه های آنها و تصدیق روش هر دو است تا مردم بدانند که سرچشمه و منبع این دو روش، بر اساس مأموریت های دینی و تکالیف خاصی است که پیغمبر صلی الله علیه و آله با وحی الهی آن دو را به این مأموریت و تکلیف مکلف ساخته است. هر دو روش از روش پیغمبر صلی الله علیه و آله و سیره او جدا نمی باشد؛ از این روست که حسن و حسین جامع تمام کمالات اخلاقی، وارث جد و پدر و حافظ دین و قرآن مقدس بوده اند.

ص: ۴۴

### اشاره

یکی از معجزات بزرگ، روشن و غیر قابل انکار پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم پیشگویی ها و خبرهایی است که آن حضرت از حوادث آینده داده است. معتبرترین اسناد و مدارک تاریخی، این پیشگویی ها را حفظ کرده اند و هر کس با تاریخ اسلام آشنا شود در حقیقت این اخبار شبهه و تردید نمی نماید.

یکی از خبرهای غیبی پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم خبرهایی است که از شهادت سیدالشهداء علیه السلام داده است. علاوه بر آن همه احادیثی که از طرق متعدد شیعه روایت شده، در تواریخ و کتب حدیث و تراجم اهل سنت نیز روایات بسیاری آمده است. این گزارش های تاریخی و احادیث وارد در این کتب، یقینی بودن اخبار غیبی پیامبر صلی الله علیه وآله را تأیید و اثبات می نمایند. مهم تر آنکه این احادیث از نظر معنا و مضمون در حد تواتر، بلکه مافوق تواترند. اکنون برخی از این احادیث را ذکر می کنیم:

### خاک سرخ

احمد بن حنبل از پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم روایت می کند که فرمود:

لَقَدْ دَخَلَ عَلَى النَّبِيِّ مَلَكٌ لَمْ يَدْخُلْ عَلَى قَبْلِهَا فَقَالَ لِي:

إِنَّ ابْنَكَ هَذَا حُسَيْنًا مَقْتُولٌ، وَ أَنْ شِئْتَ ارْتَيْتَكَ مِنْ تَرْبَةِ الْأَرْضِ الَّتِي يُقْتَلُ بِهَا قَالَ: فَأَخْرَجَ تَرْبَةً حَمْرَاءً (۱)

در خانه فرشته ای بر من وارد شد که پیش از این بر من وارد نشده بود، گفت: «این پسر ت حسین مقتول است و اگر بخواهی، تربت آن زمینی که در آن کشته می شود را به تو نشان می دهم، پس خاک سرخی را بیرون آورد.»

### صبور باش!

آن گاه که علی علیه السلام به صفین می رفت، از کربلا گذر کرد. به محاذی نینوا که دهی در کنار فرات است رسید، ایستاد و از نام آن زمین پرسید؛ گفته شد: «کربلاست.» پس گریست آن قدر که زمین از اشک چشمانش تر شد (و به روایت عبدالله بن یحیی از پدرش که در التزام رکاب علی علیه السلام بود) فرمود:

صَبْرًا يَا ابا عَبْدِ اللَّهِ صَبْرًا يَا ابا عَبْدِ اللَّهِ صَبْرًا يَا ابا عَبْدِ اللَّهِ بِشَاطِئِ الْفُرَاتِ

... صبور باش ای اباعبدالله، صبور باش ای اباعبدالله، صبور باش ای اباعبدالله بر کنار فرات.

پس فرمود وارد شدم بر پیغمبر صلی الله علیه وآله در حالی که آن حضرت گریه می کرد؛ از سبب گریه پرسیدم فرمود:

كَانَ عِنْدِي جَبْرَيْلُ أَنْفَاءً وَ اخْبَرَنِي أَنَّ وَلَدِي الْحُسَيْنَ يُقْتَلُ

ص: ۴۶

بشاطيء الفرات بموضع يُقال له كربلا ثم قبض جبرئيل قبضه من تراب شمّنى اياه فلم املك عيني ان فاضتا (۱)

جبرئیل هم اکنون نزد من بود و مرا خبر داد که فرزندم حسین در کنار فرات کشته می شود در موضعی که به آن کربلا گفته می شود. پس جبرئیل یک مشت از خاک قبض کرد و به مشام من رسانید، پس نتوانستم دیدگانم را از ریختن اشک نگاه دارم.

### اینجا کربلاست

چون حسین علیه السلام به زمین کربلا رسید، پرسید: «این زمین چه نام دارد؟» گفتند: «کربلا، و نینوا هم به آن گفته می شود که نام دهی است در آن.»

حسین علیه السلام گریست و فرمود: «کرب است و بلاء. ام سلمه به من خبر داد که جبرئیل نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بود و تو با من بودی پیغمبر فرمود: پسر مرا رها کن، پس تو را گرفت و در دامن خود گذارد. جبرئیل گفت: او را دوست می داری؟ فرمود: آری!

گفت: امت تو او را خواهند کشت و اگر بخواهی زمینی را که در آن کشته می شود به تو نشان می دهم! پس جبرئیل زمین کربلا را به پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم نشان داد.»

چون به حسین علیه السلام گفته شد اینجا زمین کربلاست آن را بویید و فرمود: «این است زمینی که جبرئیل به پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم خبر داد که

ص: ۴۷

## تربت خونین

یعقوبی می نویسد: «اول کسی که بانگ ناله اش در مصیبت حسین علیه السلام در مدینه بلند شد، ام سلمه، همسر پیغمبر صلی الله علیه و آله بود؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله شیشه ای را که در آن تربتی قرار داشت به او داد و فرمود: جبرئیل به من اعلام کرده که امت من حسین را می کشند و این تربت را به من داد. آن گاه به امسلمه فرمود: وقتی این خاک به خون تازه تبدیل گردید، بدان که حسین کشته شده است. آن خاک نزد امسلمه بود (تا وقتی که حسین به عراق حرکت کرد). امسلمه همواره در آن نظر می کرد وقتی دید آن خاک، خون شده، فریاد زد: «واْحْسِينَاهُ وَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ.»

زن ها از هر سو بانگ شان به ناله بلند شد تا آنکه مدینه پر از شیون و ضجه گردید به طوری که مانند آن هرگز شنیده نشده بود» (۲)

ص: ۴۸

---

۱- تذکره الخواص، ص ۲۵۹ و ۲۶۰.

۲- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۱۸ و ۲۱۹؛ بعد از نوشتن این فصل، مقاله ای از دانشمند فیزیکدان «رابرت موریس پیچ» تحت عنوان «یک آزمون نتیجه بخش» در کتاب «اثبات خدا»، ص ۲۵ به نظر رسید که وجود خدا را براساس پیشگویی های پیامبران اثبات نموده است. اگر این مرد دانشمند که دارای ۳۷ اختراع ثبت شده است و موفق به دریافت جایزه های با ارزش علمی گردیده، از تاریخ اسلام و پیشگویی های پیغمبر و ائمه علیهم السلام آگاهی داشت ایمانش به خدا استوارتر می شد.

## آثار حضرت آیت الله العظمی صافی مدظلله الوارف در یک نگاه

نام کتاب ----- زبان ----- ترجمه

فقه:

- ۱ - توضیح المسائل ----- فارسی -----
- ۲ - منتخب الاحکام ----- فارسی -----
- ۳ - احکام نوجوانان ----- فارسی ----- انگلیسی
- ۴ - جامع الاحکام در ۲ جلد ----- فارسی -----
- ۵ - استفتائات قضایی ----- فارسی -----
- ۶ - استفتائات پزشکی ----- فارسی -----
- ۷ - مناسک حج ----- فارسی ----- عربی
- ۸ - مناسک عمره مفرده ----- فارسی ----- عربی
- ۹ - هزار سؤال پیرامون حج ----- فارسی -----
- ۱۰ - پاسخ کوتاه به ۳۰۰ پرسش در ۲ جلد ----- فارسی -----
- ۱۱ - اعتبار قصد قربت در وقف ----- فارسی -----
- ۱۲ - رساله در احکام ثانویه ----- فارسی -----
- ۱۳ - فقه الحج در ۴ جلد ----- عربی -----
- ۱۴ - هدایه العباد در ۲ جلد ----- عربی -----
- ۱۵ - هدایه السائل ----- عربی -----
- ۱۶ - حواشی علی العروه الوثقی ----- عربی -----
- ۱۷ - رسائل الخمس فی فقه الإمامیه ----- عربی -----





- ۱۹ - فقه الخمس ----- عربی -----
- ۲۰ - أوقات الصلوه ----- عربی -----
- ۲۱ - الاحكام الشرعيه ثابتة لا تتغير ----- عربی ----- فارسی
- ۲۲ - التعزير (احكامه و ملحقاته) ----- عربی -----
- ۲۳ - ضروره وجود الحكومه او ولايه الفقهاء في عصر الغيبه (الخمس و ولايه الفقيه) ----- عربی ----- فارسی
- ۲۴ - رساله في معاملات المستحدثه ----- عربی -----
- ۲۵ - التداعى في مال من دون بينه و لا يد ----- عربی -----
- ۲۶ - رساله في المال المعين المشتبّه ملكيته ----- عربی -----
- ۲۷ - حكم نكول المدعى عليه عن اليمين ----- عربی -----
- ۲۸ - ارث الزوجه ----- عربی -----
- ۲۹ - مع الشيخ جاد الحق في ارث العصبه (مسأله التعصّب) ----- عربی -----
- ۳۰ - حول ديات ظريف ابن ناصح ----- عربی -----
- ۳۱ - بحث حول الاستسقام بالازلام (مشروعيه الاستخاره) ----- عربی -----
- ۳۲ - الشعائر الحسينيه ----- عربی -----
- ۳۳ - آنچه هر مسلمان بايد بداند ----- تركى -----
- اصول فقه:
- ۳۴ - بيان الاصول در ۳ جلد ----- عربی -----
- ۳۵ - رساله في الشهره ----- عربی -----
- ۳۶ - رساله في حكم الاقل و الاكثر في الشبهه الحكميه ----- عربی -----

۳۷ - رساله فی الشروط ----- عربی -----

قرآن و تفسیر:

۳۸ - تفسیر آیه فطرت ----- فارسی -----

۳۹ - القرآن مصون عن التحریف ----- عربی -----

۴۰ - تفسیر آیه التطهیر ----- عربی -----

۴۱ - تفسیر آیه الانذار ----- عربی -----

عقاید و کلام

۴۲ - عرض دین ----- فارسی -----

۴۳ - به سوی آفریدگار ----- فارسی -----

۴۴ - الهیات در نهج البلاغه ----- فارسی -----

۴۵ - معارف دین ۲ جلد ----- فارسی -----

۴۶ - پیرامون روز تاریخی غدیر ----- فارسی -----

۴۷ - ندای اسلام از اروپا ----- فارسی -----

۴۸ - نگرشی بر فلسفه و عرفان ----- فارسی -----

۴۹ - نیایش در عرفات ----- فارسی -----

۵۰ - سفرنامه حج ----- فارسی -----

۵۱ - شهید آگاه ----- فارسی -----

۵۲ - نوید امن و امان ----- فارسی -----

۵۳ - پاسخ ده پرسش ----- فارسی -----

۵۴ - اصالت مهدویت ----- فارسی -----

۵۵ - تجلی توحید در نظام امامت ----- فارسی ----- عربی

۵۶ - نظام امامت و رهبری ----- فارسی -----

۵۷ - ولایت تکوینی و ولایت تشریعی ----- فارسی -----

۵۸ - پیرامون معرفت امام ----- فارسی -----

۵۹ - عقیده نجات بخش ----- فارسی -----

ص: ۵۱

- ۶۰ - به سوی دولت کریمه ----- فارسی -----
- ۶۱ - باورداشت مهدویت ----- فارسی ----- عربی
- ۶۲ - انتظار، عامل مقاومت و حرکت ----- فارسی -----
- ۶۳ - فروغ ولایت در دعای ندبه ----- فارسی ----- عربی
- ۶۴ - معرفت حجت خدا ----- فارسی -----
- ۶۵ - وابستگی جهان به امام زمان ----- فارسی -----
- ۶۶ - توضیحات پیرامون کتاب عقیده مهدویت در تشیع امامیه ----- فارسی ----- انگلیسی
- ۶۷ - امامت و مهدویت ----- فارسی -----
- ۶۸ - پیام های مهدوی ----- فارسی -----
- ۶۹ - گفتمان مهدویت ----- فارسی ----- انگلیسی
- ۷۰ - گفتمان عاشورایی ----- فارسی -----
- ۷۱ - مقالات کلامی ----- فارسی -----
- ۷۲ - الی هدی کتاب الله ----- عربی -----
- ۷۳ - ایران تسمع فتجیب ----- عربی -----
- ۷۴ - رساله حول عصمه الانبیاء و الائمة ----- عربی -----
- ۷۵ - تعلیقات علی رساله الجبر و القدر ----- عربی -----
- ۷۶ - لمحات فی الکتاب و الحدیث و المذهب ----- عربی -----
- ۷۷ - صوت الحق و دعوه الصدق ----- عربی -----
- ۷۸ - رد اکذوبه خطبه الامام علی، علی الزهرا علیهما السلام ----- عربی -----
- ۷۹ - مع الخطیب فی خطوطه العریضه ----- عربی ----- اردو/فرانسه

٨٠- رساله فى البداء ----- عربى -----

٨١- جلاء البصر لمن يتولى الائمة الاثنى عشر ----- عربى -----

ص:٥٢

۸۲ - حدیث افتراق المسلمین علی ثلاث و سبعین فرقه ----- عربی -----

۸۳ - من لهذا العالم؟ ----- عربی -----

۸۴ - بین العلمین، الشیخ الصدوق و الشیخ المفید ----- عربی ----- فارسی

۸۵ - مقدمات مفصله علی «مقتضب الاثر» و «مکیال المکارم» و «منتقى الجمان» ----- عربی -----

۸۶ - امان الامه من الضلال والاختلاف ----- عربی -----

۸۷ - البكاء علی الامام الحسین علیه السلام ----- عربی -----

۸۸ - النقود اللطیفه علی الكتاب المسمى بالاخبار الدخیله ----- عربی -----

حدیث:

۸۹ - منتخب الاثر در ۳ جلد ----- عربی ----- اردو/انگلیسی

۹۰ - قیس من مناقب امیر المؤمنین علیه السلام (مئه و عشر حدیث من کتب عامه) ----- عربی ----- فارسی

۹۱ - احادیث الائمة الاثنی عشر، اسنادها و الفاظها ----- عربی -----

۹۲ - احادیث الفضائل ----- عربی -----

۹۳ - پرتوی از فضائل امیر المؤمنین علیه السلام ----- فارسی -----

تاریخ:

۹۴ - سیر حوزہ های علمی شیعه ----- فارسی -----

۹۵ - رمضان در تاریخ (حوادث تاریخی) ----- فارسی -----

سیره:

۹۶ - پرتوی از عظمت امام حسین علیه السلام ----- فارسی -----

۹۷ - با عاشورایان ----- فارسی -----

۹۸ - آینه جمال ----- فارسی -----

۹۹ - از نگاه آفتاب ----- فارسی -----

۱۰۰ - اشک و عبرت ----- فارسی -----

تربیتی:

۱۰۱ - ماه مبارک رمضان، مکتب عالی تربیت و اخلاق ----- فارسی -----

۱۰۲ - راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر ----- فارسی -----

۱۰۳ - با جوانان ----- فارسی -----

شعر:

۱۰۴ - دیوان اشعار ----- فارسی -----

۱۰۵ - بزم حضور ----- فارسی -----

۱۰۶ - آفتاب مشرقین ----- فارسی -----

۱۰۷ - صحیفه المؤمن ----- فارسی -----

۱۰۸ - سبط المصطفی ----- فارسی -----

۱۰۹ - در آرزوی وصال ----- فارسی -----

مقاله ها و خطابه ها:

۱۱۰ - حدیث بیداری (مجموعه پیام ها) ----- فارسی -----

۱۱۱ - شب پرگان و آفتاب ----- فارسی -----

۱۱۲ - شب عاشورا ----- فارسی -----

۱۱۳ - صبح عاشورا ----- فارسی -----

تراجم:

۱۱۴ - زندگانی آیت الله آخوند ملا محمد جواد صافی گلپایگانی ----- فارسی -----

۱۱۵ - زندگانی جابر بن حیان ----- فارسی -----

۱۱۶ - زندگانی بوداسف ----- فارسی -----

ص: ۵۳





## (Opinion of the Sun (Az Nigah Aftab

(Visage of Imam Husain (as) in traditions of the holy Prophet (pbuh

By Hazrat Ayatollah al Uzma Saafi Gulpaygani

Publishers Note

A lot has been said and heard about the movement of Imam Husain (as), the grandson of Hazrat Muhammad (pbuh) but if the profundity and recognition be through the traditions of the holy Prophet (pbuh), undoubtedly would be more .effective

This book deals with the importance and place of Imam Husain (as) near the holy .Prophet Hazrat Muhammad (pbuh) in depth

.The book has been compiled in ۱۴ chapters with these titles

Chapter ۱. Leader of the young

Chapter ۲. He is from me

(Chapter ۳. Fragrance of the Prophet (pbuh

(Chapter ۴. Condition for the friendship of the Prophet (pbuh

Chapter ۵. Criteria for heaven and hell

Chapter ۶. In the vicinity of sun

?Chapter ۷. Who will help him

Chapter ۸. Masters of heaven

(Chapter ۹. From the lineage of Husain (as

Chapter ۱۰. Fruit from the tree of Prophet hood

(Chapter ۱۱. Gift of the Prophet (pbuh

Chapter ۱۲. Prophet's prayer to God

Chapter ۱۳. Heir of sun

(Chapter ۱۴. Prophet's tears for Husain (as

Opinion of the Sun " is another step in the re recognition and further acquaintance " with Imam Husain (as), written by great Muslim scholar Ayatollah al Uzma Saafi, one of the major Shia marjas who has composed more than ۱۰۰ books about Islamic subjects.

We advise all those eager to acquire the teachings of the household, specially the youth to read the book.

Centre for compilation and publication of

Hazrat Ayatollah al Uzma Saafi works

ص: ۵۵

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

